

متن پرسش

سلام استاد گرانقدر: وقتتون بخیر باشه. من با نماز خوندن و قرآن خوندن به مشکل خورده‌ام از این بابت که نتیجه ای که باید رو نمی‌گیرم. در زمان حضرت رسول اکرم و امیرالمومنین، مسلمانان وقتی نماز خواندن حضرت رسول اکرم را می‌دیدند، نماز حضرت امیرمومنان را می‌دیدند و وقتی خود نماز می‌خواندند متوجه بودند که نمازشان فرعی است که اصل آن همان نمازی است که در رسول اکرم مشاهده می‌کنند، اگر هم ادا در می‌آوردند ولی با این وجود در محضر یک حقیقت متعالی قرار داشتند نماز خواندن ما چی؟! با کدام حقیقت ارتباط داریم؟ وقتی نماز می‌خونیم کدام صحنه ای از عبادات معصومین در افق دیدمان هست؟ همینطور تلاوت قرآن. هر کور و کچلی که در زمان پیامبر حضور داشت، وقتی قرآن می‌خواند متذکر آن صحنه‌هایی بود که حضرت رسول اکرم وحی را بر جان انسان‌ها تلاوت می‌کرد و افراد با خواندن قرآن آن تذکر را برای خود تکرار می‌کردند. قرآن خواندن ما چی؟ اصلا قرآن خواندنمون چه ربطی به آن تذکری داره که مسلمانان صدر اسلام از اون بهره مند بودند دعا خواندنمون هم همین وضعیت رو داره. مسلمانان مناجات‌های پیامبر رو می‌دیدن، مناجات‌های حضرت امیرالمومنین، دعای حضرت سیدالشهدا، مناجات‌های حضرت زین العابدین برای نمونه مناجات حضرت داوود کجا، که کوه و دشت همراه حضرت خدا را بخوانند بعد این وسط جایگاه ما چی هست؟ اینکه کلماتی رو تکرار کنیم که از حقیقت آن، حتی از دیدن یک نمونه ظهور حقیقت آن در افراد بی‌خبریم، این چه دعایی شد، این چه نمازیه، این چه قرآنیه؟ با این اوصاف از اسلام، از دینداری چی برای ما می‌مونه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده به جهت همین مسائلی که برای رفقا در شرایط جدید پیش می‌آید عرایضی در مباحث «با دعا، در آغوش خدا» در شرح مناجات‌التائبین داشتم. که مطلب روی سایت هست. در آنجا عرض شده که باید منتظر نوعی از کفر که مقدمه‌ی ایمان برتری است، باشیم. که بحمدالله برای شما پیش آمده. آری! با رویکرد گشوده‌شدن جهانی که جهان کیفیت‌ها است، در مقابل ما در راستای عبور از سیطره‌ی جهان کمیته‌ها می‌توان به نماز و قرآن رجوع کرد تا با جهانی روبه‌رو شویم که به گفته‌ی جناب مولوی:

آن جهان و راهش ار پیدا بود / کم کسی یک لحظه در این‌جا بود. موفق باشید

در جایی این‌طور نوشته شد:

باید گاه به گاه خود را گم کنیم همان‌طور که اگر ما نتواند پوست بیندازد می‌میرد، اگر ذهن انسان برای تغییر دچار مانع باشد، دیگر ذهن نیست، انبار اطلاعات است. مردان نظام اگر خود را در آینده‌ی تاریخ خود حاضر نکنند و همچنان در گذشته متوقف باشند، عملاً گور خود و نظام را پیشاپیش کنده‌اند. زیرا در برابر آنچه در حال رشد و بالندگی است، کور و نابینا شده‌اند. مردانی می‌خواهیم که معنای سعی توحیدی انقلاب اسلامی را بفهمند که چگونه انقلاب، اقیانوس شده است و دوره‌ی دریاچه‌بودنش به سر آمده. زیرا وقتی خود را در مرحله‌ای از تاریخ پیدا می‌کنیم باید سعی کنیم گاه به گاه خود را گم کنیم تا دوباره از نو بازیابی شویم. این است آن شدن ابدی و نه یک وجود خشک ساکن.